

طالبان و روزهای دشوار هرات

بخش چهارم

توضیح

مردم ما وحشت و خشونت طالبان را با گوشت و پوست خود لمس، احساس و درک کرده اند. از خون پاک قربانیان بی دفاع در وجب وجب خاک میهن لاله های خونینی دمیده که پیام این ظلم و ستمگری را به نسل های آینده می رسانند. در باره طالبان زیاد نبشته شده است؛ اما در این نگاره فقط گوشه هایی از طرز حکومت استبدادی طالبان در عمل و به طور عینی در ولایت هرات به رشته نگارش درآمده است؛ بی شک که می تواند ماهیت واقعی این گروه را در عمل هویدا سازد.

بستن حمامهای زنانه

درفر هنگ هرات حمامهای عمومی تاریخ بسیار طولانی دارند و این رسم با زندگی آنان پیوند خورده است. بادهای 120 روزه، گرد و خاک، کارهای روزمره و هوای بری هری چرک را به روی پوست جاگیر می سازد و زدودن آن نیاز به حمام های گرم هراتی را در طول تاریخ به وجود آورده است. بیشتر اهالی هرات کارگر، پیشه ور و دوکاندار می باشند؛ هفته یکمرتبه می توانند در حمام های گرم و پر ازدحام عمومی به زور کیسه و روشویه های هراتی چرک را از بدن دور کنند. زنان هراتی هم با پخت و پز، جاروکشی، گرد و خاک و دود و خاکستر سر و کار دارند و به سان مردان هفته یکبار به حمام می روند و مدت طولانی در حمام می مانند تا بدن شان آماده شستشو و کیسه کشی شود. اهالی فقیر هرات به سبب گرانی مواد سوخت نمی توانند حمام های خانگی را گرم کنند.

طالبان بیشتر در مناطق گرم پاکستان و جنوب افغانستان زندگی دارند. از پدیده حمام های سبک هراتی بیگانه اند. آنان ضرورت آن را در هرات درک نمی کنند و اگر کسی به آنان توضیح دهد به آن اهمیت نمی دهند. طالبان با این دیدگاه بسیار محدود و ابتدایی نه تنها پدیده های عصر جدید را درک کرده نمی توانند؛ بلکه با ارزشهای تاریخی، عنعنات و رسم و رواجات پسندیده مردم افغانستان نیز مبارزه می کنند.

آنان حمام های عمومی زنانه را غیر شرعی و غیر اسلامی اعلان نموده و زنان را از رفتن به حمام منع کردند. طبق اعلامیه

قوماندانی امنیه که به تاریخ 30 قوس 1375 از طریق رادیو هرات پخش شد، تمام حمام‌های زنانه هرات مسدود گردید. این نظافتگاه‌های پارینه برای زنان نه تنها به حیث محل جانشویی قابل استفاده بود؛ بلکه کلوب اجتماعی، محل دید و بازدید و اختلاط‌های زنانه محسوب می‌شد. طالبان شاید به اشاره باداران خود از گردهم‌آیی و اجتماع زنان در حمام‌ها جلوگیری کرده اند تا از گسترش اخبار ضد طالبی جلوگیری کنند. این در واقع یک دستور سیاسی و امنیتی بوده است.

تظاهرات زنان شهر هرات

بعد از تصرف هرات توسط طالبان فشار بر زنان روز به روز شدت گرفت. طالب با تفسیر ویژه از شریعت اسلام زن را در کنج خانه زندانی کرد و به او دستور داد که به حمام عمومی نرود، چنان آرام گپ بزند که صدای او را مرد بیگانه و نامحرم نشنود، سر تا قدم خود را با چادر بپوشد، لباس‌های قشنگ و رنگارنگ به تن نکند، به گلگشت و تفریح نرود، در مکتب و فاکولته درس نخواند، درب‌یرون منزل کار نکند و خلاصه در چهار دیواری منزل بچه بزاید تا لشکر طالبان زیاد شود.

سختگیری و خشونت طلبه‌ها انگیزه حرکت و خیزش را در بین معلمه‌ها و زنان تحصیلکرده به وجود آورد. در بعضی محافل خصوصی زنانه مانند فاتحه، عروسی، تکایای روضه‌خوانی و حمام‌ها از اعمال ظالمانه طالبان انتقاد و شکایت می‌شد. زنان بیچاره و مظلوم باهمدیگر درد دل و اختلاط می‌کردند. این اخبار در سطح شهر پخش می‌شد. طالبان برای جلوگیری از گسترش تبلیغات و اخبار ضد حکومتی دست به مسدود کردن هرنوع کانون و محل تجمع مردمی زده و به آن جذبه مذهبی دادند.

به تاریخ 9 حمل 1375 تعدادی از دختران پوهنتون هرات در جلو در ولایت تجمع کردند تا جهت گشایش فاکولته‌های زنانه به نزد والی شهر عرض نمایند؛ اما هیچ گوش شنوایی در حکومت طالبان وجود نداشت و تجمع مزبور نتیجه نداد.

صبح شنبه اول جدي 1375 به تعداد چند صد زن تحصیل کرده از پارک شهرنو در مسیر بلوار ولایت به طرف دفتر والی هرات به راه پیمائی آغازیدند. هدف از این راه پیمائی توضیح ضرورت باز شدن حمام‌های زنانه به والی شهر بود. هنوز زنان در مقابل لیسه سلطان بودند که چند موتر طالب مسلح که علاوه بر تفنگ، به دست شان چوب، شلاق و میله‌های آهنین دیده می‌شد به سوی تظاهرات شتافتند و زنان بی‌دفاع و مظلوم را به طور وحشتناکی لت و کوب کردند. در این حمله بی‌رحمانه ده‌ها تن زخمی و نزدیک به 20 نفر دستگیر و زندانی شدند و متباقی متواری گشتند. صحنه بسیار جانگداز

و جگرسوزي بود. صداي ناله و فریاد زنان دل سنگ را آب می‌کرد.

در این روز پولیس‌های مذهبی طالبان با چوب و شلاق در سطح شهر به جان زنان مظلوم و بی‌گناه افتاده بودند. در هر گوشه و کنار شهر صداي گریه و فریاد زنان به آسمان نیلگون می‌رفت. زنان از بیم طالبان می‌لرزیدند و از مردان کمک می‌خواستند. به کوچه‌های شهر فرار می‌کردند و به منازل شخصی مردم پناه می‌بردند.

بعد از ظهر این روز در اعتراض به این اعمال وحشیانه بعضی از دوکانداران شهر مغازه‌های خود را مسدود کردند. مردم شهر با ترحم و دلسوزی به زنان می‌نگریستند. روز بعد خبر تظاهرات به خارج از مرزها منتشر شد و با آب و تاب بیشتری از طرف خبرگزاری‌ها پخش گردید. اخبار بعد از ظهر رادیو ایران مورخه 3 جدي 1375 اوضاع هرات را بسیار بحرانی دانسته و از استقرار تا نک‌های جنگی طالبان و نظامی‌شدن شهر خبر می‌داد.

همچنان ملا یارمحمد والی هرات از وجود تظاهرات انکار کرد و گفت که زنان جهت اخذ ویزا به درب کنسولگری ایران رفته بودند که توسط طالبان پراکنده شدند؛ لیکن به تاریخ 3 جدي 1375 اطلاعیه قوماندانی امنیه به این مضمون پخش گردید:

«به تمام هم‌شهریان هرات ا هم از مردان و زنان ابلاغ می‌گردد که اگر بعد از این در بازارها دست به مظاهرة به زنند مورد بازپرسی شرعی و قانونی قرار می‌گیرند و اگر دوکانداران سر از امروز دوکانهای خود را بسته نموده و باز نکنند به مدت 6 ماه درب دوکان شان توسط قوماندانی امنیه مسدود می‌گردد».

این اطلاعیه تظاهرات و مسدود شدن دوکانهای شهر را تأیید کرده است و با حرف والی شهر تناقض دارد. حمله بی‌رحمانه طالبان بر زنان مظلوم هرچند خشم مردم را برانگیخت؛ اما اوضاع شهر ثبات خود را از دست نداد. وضع عمومی شهر در روز بعد از قول یک شاهد عینی چنین گزارش شده است:

هنگامی که با بایسکل چینائی‌ام در بازارهای شهر رکاب می‌زدم اوضاع شهر آرام به نظر می‌رسید. بسیاری از دوکانداران سرگرم سودا و معامله بودند. پول پرده ضخیمی جلو چشمان شان کشیده بود. در بازار صرافان نو سانات اسعار خارجی و معاملات پولی شور و غوغایی برپا کرده بود و جز شمارش اسکناس چیز دیگری در خاطره‌ها نمی‌گذشت.

مارکت‌سازان شهر در فکر ساختن دوکان‌های تنگ و تاریک بیشتری بودند تا پول بیشتری به جیب زنند. مزدوران و حاملان که در بین شان نوجوانان و اطفال زیادی دیده می‌شد به سختی کراچی‌های دستی و گاری‌های باردار را می‌کشیدند و

گادی و آنان با شلاق‌های سوزناک به جان اسبان زبان بسته افتاده بودند.

کتفروشان و دستفروشان پایحصار، دروازه قندهار و دروازه خوش برای فروش اجناس خود سر و صدای زیادی می‌کردند. گدایان و بینوایان در پی سیرکردن شکم نالان و سرگردان برگرد شهر می‌گشتند و دست‌نیاز به این و آن دراز می‌کردند.

موت‌های طالبان مثل همیشه با سرعت در سرک‌ها می‌گشتند. پولیس مذهبی طالبان سرگرم دستگیری جوانان و نوجوانان و اهالی شهرداری می‌شد تا سرشان را ماشین‌کند و ریش کوتاهان و شیک‌پوشان را شلاق‌زند. شاید تنها من بودم که بر چهره غبار گرفته شهر خیره شده و مرده‌های متحرک را نظاره می‌کردم؛ آنانی که حوادث و وقایع را این‌گونه زود فراموش می‌کنند و فقط شوله خود را می‌خورند و پرده خود را می‌کنند. آه! که در زیر استبداد و ظلم و ستم طالبان شوق و انگیزه تطییدن را هم شاید فراموش کرده و به مجسمه‌های بی‌جان تبدیل شده‌اند.

پس از تظاهرات زنان هرات بر شدت قیودات و سختگیری‌های طالبان افزوده شد و فشار بر زنان هراتی ابعاد تازه‌تری پیدا کرد. طلبه‌ها به بهانه‌های گوناگون از بیرون شدن زنان از منازل جلوگیری می‌کردند تا از تظاهرات احتمالی آینده جلوگیری کنند. آنان به این منظور به صدور اطلاعیه‌های پیاپی آغاز کردند.

به تاریخ 10 جدی 1375 در اطلاعیه‌ای که از طریق رادیو هرات پخش گردید از عموم زنان خواسته شد که بدون محرم شرعی از منازل خود خارج نشوند. به تاریخ 28 جدی 1375 به عموم زنان ابلاغ شد که بر سر گورهای مردگان خود نروند و رفتن به زیارت‌های اولیا را فراموش کنند.

ماموران امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهر به طور علنی به شلاق زدن زنان ادامه دادند و این عمل ظالمانه از طریق رادیو هم پخش می‌شد. چنان‌که به تاریخ 11 جدی چنین اعلان گردید: دیروز هیئت امر به معروف و نهی از منکر از سطح شهر دیدن نموده و 15 زن بد حجاب را تأدیب و توصیه کرد.

خشونت علیه زنان به شکل بسیار بی‌رحمانه و ظالمانه‌یی صورت می‌گرفت. طالبان شلاق به دست در بازارها می‌گشتند و زنان بی‌چاره و بی‌دفاع را در حالی که بی‌خبر در بازار قدم می‌زدند از پشت سر مورد حمله گرفته و شلاق‌های سوزناک را بر سر و صورت آنان فرود می‌آوردند. مردم شهر هر روز ناظر این صحنه‌های دلخراش بودند و از ترس دم زده هم نمی‌توانستند.

طالبان با تمام این اعمال وحشیانه و خشونت‌بار نتوانستند زنان هراتی را خانه نشین کنند؛ زیرا بیشتر

زنان شوهران شان را در جریان جنگ طولانی از دست داده بودند و دستیاره ای نداشتند تا سودای بازار را انجام دهد. آنان مجبور بودند تنها به داکتر به روند. از اقوام و خویشان خود دیدند کنند و امور روزمره خود را پیش به برند. نیازهای جاری آنان را مجبور می ساخت تا با تمام فشارهای طالبان به طور مخفی و یا علنی از منزل بیرون شوند و سوز و درد شلاق طالب را تحمل کنند.

ادامه دارد